جهان به الگوی کامل اخلاق نیاز داشت

محمود کاظمی

واقعه بعثت رسول گرامی اسلام (ص) در ۲۷ رجب را باید بزرگ‌ترین حادثه الهی در تاریخ حیات بشریت دانست، چراکه آغاز رسالت آخرین پیامبر الهی و شروع دعوت به آخرین دین یعنی اسلام و آخرین کتاب و معجزه جاویدان یعنی قرآن در سلسله ارسال پیامبران از سوی پروردگار است. به‌همین‌دلیل این واقعه الهی که در تاریخ اسلام به دلیل عظمت آن به عنوان «عید مبعث» و از بزرگ‌ترین اعیاد مسلمین جهان شناخته می‌شود، از اهمیت و منزلت والایی برای هدایت بشر از منظر آموزه‌های دینی برخوردار است، از این منظر که خداوند با فرستادن رسول و نزول وحی و ابلاغ فرامین دینی، راه سعادت دنیوی و اخروی را برای بشر مشخص کرده تا از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به سعادت ابدی نائل شوند. این منظر در آیات و روایاتی که در رابطه با موضوع بعثت پیامبران الهی در قرآن کریم نازل شده، از ابعاد گوناگون قابل ادراک بوده و قابلیت شرح و تبیین و تأمل عقلانی در تمامی اعصار حیات انسان را دارا می‌باشد و می‌تواند چراغ راه بازگشت انسان به فطرت الهی خود شود. در ادامه به تبیین این اهداف می‌پردازیم.

هدایت انسان با دعوت به توحید و انذار از گمراهی طاغوت

مهم‌ترین و جامع‌ترین هدف بعثت پیامبر اکرم(ص) و نیز تمامی انبیا الهی از آغاز تا خاتم، هدایت و تزکیه و بازداشتن از جهل و گمراهی همه انسان‌ها در تمامی ادوار تاریخ است. قرآن کریم، این هدف اصلی و مشترک از بعثت میان انبیا الهی را این گونه بیان می‌فرماید: «کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لانفرق بین احد من رسله» (بقره/۲۸۵) همه بر محور ایمان به خدا و ملائکه و کتب آسمانی مبعوث شدند و هدفی جز هدایت جامعه بر اساس خاستگاه اجتماعی و مقتضیات زمان ندارند و در این مسیر فرقی میان آنان نیست، تا با این دعوت، بشر را از ضلالت و گمراهی و پیروی از طاغوت و شیطان با توحید و یکتاپرستی و ایمان و پیروی از فرامین الهی برهانند و به سعادت دنیوی و اخروی برسانند و به صراط مستقیم که همان دین الهی است هدایت شوند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِی کلِّ أُمَّه رَسُولًا أَنْ اُعْبُدُوا اللهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَی اللهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَیهِ الضَّلَالَه...؛ ما در هر امتی پیامبری برانگیختیم تا به آنان بگویند خدا را بپرستید و از پرستش غیر خدا (طاغوت) خودداری کنید گروهی هدایت یافتند و گروه دیگر (از طریق عناد و لجاج) شایسته گمراهی و ضلالت شدند...» (نحل: ۳۶)

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در تبیین این هدف می‌فرماید: «خداوند محمّد(ص) پیامبر خود را برانگیخت، تا وعده خود را انجام دهد و پیامبری را به‌وسیله او خاتمه بخشد و مردم روی زمین در آن روز مذهب‌های گوناگون و بدعت‌های زیاد و روش‌های مختلف داشتند. گروهی او را به مخلوق تشبیه می‌کردند (برای او عضو و مکان قائل بودند) برخی در نام وی تصرف می‌نمودند و گروهی به غیر خدا اشاره می‌کردند (بت‌ها را می‌پرستیدند) آنان را از گمراهی به شاهراه توحید هدایت کرد و از چنگال جهالت نجات داد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) آن حضرت همچنین می‌فرماید: «خدا پیامبر را برانگیخت تا بندگان او آنچه از خداشناسی نمی‌دانند فراگیرند و به پروردگاری او، پس از انکار و عناد، ایمان بیاورند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۴: ح۲۸۷: ۱۹) «خداوند پیامبران را برانگیخت تا آنچه را که بندگان خدا درباره توحید و صفات خدا نمی‌دانند فرا گیرند و به ربوبیت و پروردگاری و یگانگی وی پس از انکار ایمان آورند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳)

در حقیقت انسان بدون این هدایت الهی، راهی جز تباهی و گمراهی نمی‌پیماید چراکه انسان با عقل محدود خود توانایی یافتن راه سعادت را ندارد و نخواهد داشت و به‌معنای واقعی کلمه خداوند بر انسان منت گذاشت آنگاه که از جنس خودشان رسولی فرستاد تا بر آنها آیات الهی را بخواند و آنها را تزکیه و تعلیم و هدایت نماید: «و لقد منّ الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم» از همه مهم‌تر و بیشتر مورد تأکید خداوند منت رسالت و بعثت خاتم‌الانبیا محمد مصطفی(ص) بر مسلمانان و بلکه بر تمام عالم بشریت است که به‌عنوان آخرین پیامبر و مبشر رحمت و آورنده کامل‌ترین ادیان برای همه زمان و اعصار و سراسر گیتی مبعوث شده است تا انسان را انذار و تبشیر کند: «و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً» (آل عمران؛ ۱۶۴) با ارسال حضرت رسول(ص) حجت بر تمامی انسان‌ها تمام می‌شود: «رسلاً مبشرین و منذرین لئلایکون للناس علی‌الله حجه» تا این که هیچ فردی وجود نداشته باشد که در عدم پذیرش دین الهی و تبعیت از شیطان در گمراهی توجیهی داشته باشد و اگر از او تبعیت نکردند و آگاهانه به ضلالت و گمراهی کشیده شدند دلیل و حجتی بر عذاب نداشته باشند.

بنابراین به‌دلیل این که تنها راه هدایت، تبعیت از رسول و فرامین الهی است، خداوند همگان را به این موضوع، امر نماید چراکه در واقع تبعیت از پیامبر(ص) عامل تقرب به خدا می‌گردد و در قدم اول اگر تبعیت از رسول اعظم(ص) نباشد هدایت‌یابی و تبعیت از سایر آثار و اهداف بعثت ممکن نمی‌گردد: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (آل عمران/۳۱)

تعلیم و تربیت انسان‌ها و اکمال عقول بشر

از مهم‌ترین اهداف رسالت و بعثت انبیاالهی، تعلیم و تربیت و آموزش جامعه در راستای هدایت به دین الهی بوده است چنان که قرآن می‌فرماید: «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.» (جمعه؛ ۲) به‌همین‌دلیل تعلیم و تربیت و آموزش افراد جامعه در دین مبین اسلام اهمیت بسیار والایی دارد به اندازه‌ای که هدف از بعثت پیامبر گسترش علم و معرفت در کنار پرورش روحی و فکری بشر عنوان شده است.

پیامبر گرامی اسلام(ص) در این راستا می‌فرماید: «انه لم یکن شی قبله الاکان حقاً علیان یدک آمنه علی خیر ما یعلمه لهم و ینذرهم مایعلمه لهم؛ این حق بر نبی است که بر امت خویش به آنچه از خیر که نمی‌دانند دلالت و راهنمایی و هدایت فرماید و از آنچه از شر که نمی‌دانند انذار فرماید.» این تعلیم و آموزش همان تعلیم مردم به علم‌الکتاب و علم اولین و آخرین و علم هدایت است که در قرآن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. «یرفع الله الذین آمنوا و الذین اوتوالعلم درجات؛ خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند رفعت و مقام والایی عطا می‌کند و کسانی که کسب علم کردند درجات والاتری در بر خواهند داشت.» (مجادله؛ ۱۱)

این آموزش و تعلیم و تربیت به اکمال عقول انسانی و یافتن راه هدایت و سعادت می‌انجامد. از اینرو باید عقل و دانش هر پیامبری، از عقل و دانش امّت وی بالاتر و برتر باشد. پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: هدف از بعثت، تکمیل عقول بشر است: «وَ لا بَعَثَ اللهُ نَبیاً وَ لا رَسُولا حَتّی یَسْتَکمِلَ الْعَقْلَ، وَ یکونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِیعِ أُمَّتِه» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ج۱: ح۳۰: ۱۱) خداوند، هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد، مبعوث نفرمود، و خرد او بالاتر از عقول امّت وی است. همچنین طبق بیان امیرمؤمنان علی(ع) پی‌درپی آمدن پیامبران، برای این بود که مردم را به عهد و میثاق فطری که در آفرینش آنان نهاده شده است، فرا خوانند و خردهای پنهان شده آنان را از زیر گرد و غبار ضلالت بیرون آورند که در این صورت، نعمت توحید را باز خواهند یافت: «فَبَعَثَ فیهِمْ رُسُلَه وَ واتَرَ الیهِمْ أَنْبِیاءَهُ، لِیسْتَأدُوهُم میثاقَ فِطْرَته... وَ یثیروا لَهُم دَفائِنَ الْعُقُول...» (نهج البلاغه، خطبه ۱)

> تعلیم و تربیت و آموزش افراد جامعه در دین مبین اسلام اهمیت بسیار والایی دارد به اندازه‌ای که هدف از بعثت پیامبر گسترش علم و معرفت در کنار پرورش روحی و فکری بشر عنوان شده است.

بر پایی عدل و قسط و حل اختلافات و منازعات امت

در برخی از آیات و احادیث انگیزه بعثت پیامبران و فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی، تحقق قسط و عدل در میان مردم بیان شده است؛ چنان که خداوند در این باره می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَیِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِیقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/ ۲۵) «کانَ النَّاسُ أُمَّهً واحِدَهً فَبَعَثَ اللهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَ مُنْذِرِینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ.» (بقره، ۲۱۳) منظور از «بینات» و دلایل روشن، ادراکات عقلی و خردورزی‌های صحیح علمی و نیز معجزات و کرامات عملی است. همچنین مراد از «کتاب»، برخی از معارف و احکام و عقاید و اخلاق و سایر علوم است «میزان» و معیار صحیح نیز همراه معصوم است و هیچ میزانی، دقیق‌تر از سیره و روش و راه کارهای معصومانه پیامبر(ص) و پیشوایان دین نیست. (جوادی آملی، وحی و نبوت در قرآن، ۱۳۸۱، ۱۷۴)

این آیات شریفه بیانگر آن هستند که مردم به‌صورت امتی یکپارچه زندگی می‌کردند و در میان آنان اختلافات پیچیده‌ای که نیاز به شرایع آسمانی باشد، وجود نداشت، سپس اختلاف و نزاع در میان آنان پدید آمد، لذا خداوند برای حل اختلافات آنان پیامبران را که بشارت و بیم‌دهنده بودند، مبعوث کرد، و با آنان کتاب و شریعت آسمانی را به حق فرو فرستاد تا مبنای داوری در اختلافات آنان باشد. چنان که درباره حضرت داوود(ع) می‌فرماید: «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناک خَلِیفَهً فِی الأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ.» (ص، ۲۴) و درباره پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَیْک الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ بِما أَراک اللهُ.» (نساء/ ۲۰۵)

اکمال مکارم اخلاق و معرفی الگوی اخلاقی برای بشریت

اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در هر جامعه‌ای و رعایت آن از سوی افراد جامعه، از مهم‌ترین عوامل تعالی و رشد آن جامعه محسوب می‌شود چرا که تنها در این بستر است که جامعه می‌تواند اهداف خود را اجرا نماید و به سعادت همگانی دست یابد و در واقع با عمل به اصول اخلاقی، بشر، هدایت درونی می‌یابد. به‌همین‌دلیل از اهداف مهم بعثت انبیا، اکمال اخلاق است و رسول اسوه اخلاق است: «لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَنْ کَانَ یَرْجُو اللهَ وَالْیَوْمَ الْآخِرَ وَذَکَرَ اللهَ کَثِیرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب؛ ۲۱) بر همین مبناست که پیامبر اکرم(ص) به‌صراحت در بیان هدف بعثتش می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» طبق این بیان و این که شخص پیامبر نیز باید خود اسوه و الگوی اخلاقی جامعه خویش باشد، پیامبر در طول زندگی خود بهترین رفتار اخلاقی را عملی ساخته بود چنانچه از جانب خداوند چنین خطاب می‌شود: «آنک لعلی خُلُق عظیم» چراکه «فَبِمَا رَحْمَهٌ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران؛ ۱۵۹) یعنی تو ای پیامبر آیهٔ رحمت‌الهی بر بشر هستی و رسول رحمت عالمیانی که اگر تو شدید و عبوس و سخت بودی همه از تو می‌گریختند و این همان تأثیر شگرف اخلاق پیغمبر(ص) بود که اعراب بادیه‌نشین عصر جاهلیت را به دور خود جمع می‌کرد و به آنها دین عرضه می‌نمود و به بیداری و هوشیاری آنها می‌پرداخته و آنها را از چاه ضلالت بیرون می‌کشید و به راه هدایت الهی رهنمون می‌شد.

انبیا الهی؛ شاهدان اعمال امت

انبیا در ظاهر و باطن امر شاهد اعمال و کردار و رفتار امت‌اند «و یوم نبعث فی کل امه شهیداً علیهم من انفسهم و جئنا بک شهیداً علی هؤلاء؛ و روزی که ما در میان هر امتی از جنس‌شان شاهدی مبعوث می‌کنیم و ای پیامبر ما تو را نیز شاهد بر اعمال و کردار مردم فرستادیم.» (نحل؛ ۸۹) انبیا شهود مردم و مشرف بر آنهایند و دین به جهت قدرت علم درونی و اشراف آنهاست که خداوند از برای اصلاح امت به آنها عطا کرده است. اشراف آنها بر نیات و باطن افراد راه را برای هدایت و ارشاد خلق بر آنها باز می‌کند و بهترین طریق را برای سازندگی روحی و روانی و عملی افراد در پیش‌پای آنها می‌گذارد و این لازمه هدایت و ارشاد مردم برای انبیاست. «کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس؛ و این چنین ما شما انبیا را امت میانه و متعادلی قرار دادیم تا بر مردم شاهد بر اعمال آنها مشرف و آگاه باشید.» (بقره؛ ۱۴۳)

> تعلیم و تربیت و آموزش افراد جامعه در دین مبین اسلام اهمیت بسیار والایی دارد به اندازه‌ای که هدف از بعثت پیامبر گسترش علم و معرفت در کنار پرورش روحی و فکری بشر عنوان شده است.

تذکر دهنده و یادآوری کننده نعمت‌های الهی

خدای سبحان در آیات متعددی، یادآوری نعمت‌های الهی را جزو دستورهای انبیا قرار داده است: «... وَاذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَکُمْ فِی الْخَلْقِ بَسْطَهً فَاذْکُرُوا آلَاءَ اللهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؛ به یاد آورید زمانی را که خداوند، شما را بعد از قوم نوح، جانشینان آنان قرار داد و در خلقت، بر قوّت شما افزود. پس، نعمت‌های خداوند را به یادآورد؛ باشد که رستگار شوید.» (اعراف، ۶۹)

رهایی و آزادی حقیقی انسان

با توجه به مجموع اهدافی که از بعثت انبیا و در نهایت رسالت پیامبر گرامی اسلام، بیان شد می‌توان بهترین رهاورد بعثت را تحقق واقعی آزادی انسان از سرسپردگی و بندگی غیر خدا و هوای نفس و شیطان، که همانا آزادی حقیقی است، دانست. قرآن کریم درباره این هدف می‌فرماید: «الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِی کَانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آنان که از این فرستاده مکتب ندیده که نام او را در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛ همان پیامبری که آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌کند و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است، بر می‌دارد. پس آنان که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.» (اعراف، ۱۵۷) مبعوث شدگان از سوی خداوند، بسان مدعیان دروغین نبوت و رسالت که هدف به زنجیر کشیدن توده‌های مردم و استعمار و استثمار آنهاست، نیستند آنها نه تنها بندی بر آنها نمی‌گذارند، بلکه بارها را از دوش آنان بردارند، و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد، می‌شکنند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴، ج۶، ۳۹۸)

در عصر حاضر به‌خوبی آشکار است که انسان با جدا شدن از دین و معنویت و عدم پیروی از دین الهی رسول خاتم(ص)، به آزادی در شهوت‌رانی و هوای نفس رسیده که رهاورد آزادی‌های مدرن و سکولار و دنیای لیبرال غرب است. آنچه که انسان امروز به بهانه آزادی بدان دست یافته در حقیقت نه تنها آزادی نبوده، بلکه عین اسارت و بندگی است که تبعات بسیار ناگواری نیز برای بشر داشته است و هر روز شاهد مشکلات بسیار بزرگی برای این انسان امروز هستیم، معضلاتی که تنها راه حل آن، بازگشت به صراط مستقیم الهی یعنی دین است.

حدیث

پیامبر اخلاق

پیامبر صلی‌الله علیه وآله:
إِنَّما بُعِثتُ لاُتَمِّمَ مَکارِمَ الأَخلاقِ
من مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاقی را کامل کنم.
منبع: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

سخنان آقا

عید برانگیختگی برای زدودن رنج‌های بشر

مقام معظم رهبری: «عید مبعث عید برانگیختگی برای زدودن رنج‌های بشر است، بنابر این حقیقتاً عید است. رنج‌های عمده بشر که در طول تاریخ ادامه داشته است و امروز هم این رنج‌ها به شکل‌های گوناگون ادامه دارد، بندگی غیر خدا، استقرار ظلم و بی‌عدالتی، شکاف میان طبقات مردم، رنج‌های فرودستان و زورگویی زورگویان است؛ اینها رنج‌های همیشه بشر است. این چیزها با انگیزه‌های فاسد و مفسد قدرتمندان زورگو همواره بر بشر تحمیل شده است، بعثت برای زدودن این رنج‌هاست. در واقع روز مبعث، روز رجوع به فطرت الهی است؛ چون همه این رنج‌ها و دردها و نابسامانی‌ها در فطرت الهی که در نهاد بشر به ودیعه گذاشته شده است، مردود اعلام شده. فطرت الهی برای بشر طرفداری از حق، طرفداری از عدل و طرفداری از مجاهدت در راه مظلومان است، این فطرت انسانی است.

امیرالمؤمنین درباره علّت بعثت پیامبران، جمله‌ای در نهج‌البلاغه شریف دارد که خیلی باید درباره آن تأمّل کرد؛ می‌فرماید: لِیستَأدُوهُم میثاقَ فِطرَته؛ پیامبران انسان‌ها را وادار می‌کنند به اینکه آن معاهده فطری را که در نهاد بشر نهاده شده است عمل کنند، اعتراف کنند به آن معاهده، خدای متعال از بشر خواسته است که آزاد باشد، با عدالت زندگی کند، با صلاح زندگی کند، بندگی غیر خدا را نکند. لِیستَأدُوهُم میثاقَ فِطرَته وَ یذَکروهُم مَنسِیَ نِعمَته؛ نعمت فراموش شده را به یاد انسان‌ها بیاورند، این نعمت‌های الهی. ما از نعمت وجود، نعمت سلامت، نعمت خرد، نعمت خُلقیات نیکویی که خدای متعال در نهاد انسان به ودیعه گذاشته است غفلت می‌کنیم، بشر فراموش می‌کند، پیامبران این را به یاد انسان‌ها می‌آورند. وَ یذَکروهُم مَنسِیَ نِعمَته وَ یحتَجّوا عَلَیهِم بِالتَّبلیغ؛ حجّت را بر مردم تمام کنند، سخن حق را به گوش آنها برسانند، حقیقت را برای آنها آشکار کنند؛ تبیین، بیان، مهم‌ترین وظیفه پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهل‌ها و پرده‌پوشی‌ها استفاده می‌کنند، از پوشش نفاق استفاده می‌کنند، پیغمبران پوشش جهل و نفاق را می‌دَرند. وَ یثیرُوا لَهُم دَفائِنَ العُقول؛ گنجینه خرد را برای بشر بازگشایی کنند، پیغمبران برای این آمدند که انسان‌ها را به تعقّل وادار کنند، به اندیشیدن وادار کنند، به فکر کردن وادار کنند، ببینید چه هدف‌های بزرگی است، [اهداف] بعثت اینها است. امروز بشر چقدر احتیاج دارد! بعد هم که بازگشایی گنجینه‌های خرد در انسان‌ها انجام گرفت، وَ یرُوهُم ءایاتِ المَقدِّرَه؛ عقل بشر را هدایت کنند به سمت توحید، به سمت آیات‌الهی و آیات قدرت پروردگار را در مقابل چشم آنها قرار بدهند. عقلِ هدایت نشده، بدون هدایت پیامبران نمی‌تواند حقیقت را آنچنان که هست دریابد، پیامبران دست خرد انسانی را می‌گیرند، او را راهنمایی می‌کنند و با توانی که خدا در او قرار داده است، این راه دشوار زندگی را طی می‌کند، حقایق عالم را برای انسان آشکار می‌کند. قدرت خرد، خردورزی در انسان مهم است امّا با هدایت الهی، با دستگیری خدا. خب، اینها بعثت است.»

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۶

معرفی کتاب

نیر اعظم

رهیافتی به منظومه فکری رهبر انقلاب درباره پیامبر اکرم

کتاب «شعاعی از نیر اعظم: رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره حضرت محمد(ص)»، توسط دفتر فرهنگی فخرالائمه، تهران، در سال ۱۳۹۲ و در ۴۸۹ صفحه منتشر شده است. این کتاب، حاصل پژوهش و گردآوری علمی و محققانه گروهی از محققان و فضلای حوزه علمیه قم است. کتاب حاضر، رهیافتی به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پیامبر گرامی اسلام است که با گل چینی از بیانات معظم له به تحلیل و تبیین زندگی و شخصیت رسول مکرم اسلام پرداخته است و در آن می‌توان طیف گسترده‌ای از داده‌ها و تحلیل‌های ارزشمند را یافت که به گونه‌ای منظم و منطقی سامان یافته‌اند. کتاب در هشت فصل به این ترتیب سامان یافته است: در فصل اول به سیره، آموزه‌ها و ویژگی‌های فردی، معنوی، اخلاقی و حکومتی پیامبر پرداخته شده است. فصل دوم، ویژگی‌های عصر بعثت نام دارد. در این فصل، ویژگی‌های اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی پیش از اسلام در جزیره العرب و شهر مکه بررسی می‌شود. در فصل سوم، با عنوان بعثت پیامبر، به اهمیت، اهداف، آثار و برکات بعثت پرداخته شده است. در فصل چهارم، وقایع خاص تاریخ پیامبر اسلام، اعم از وقایع دوران حیات او در پیش از رسالت تا رحلت در دو قسمت دوران مکه و دوران مدینه مورد بحث واقع شده است. فصل پنجم، با عنوان پایه‌گذاری تمدن اسلامی، بازشناسی تمدن صدر اسلام، ویژگی‌ها و عوامل پیشرفت و تضعیف آن را مورد تحلیل قرار داده و سپس از تجدید بنای تمدن اسلامی و عوامل مؤثر در دستیابی به آن و عوامل نگهداری و گسترش آن سخن به میان آورده است. فصل ششم، باعنوان نقش اهل بیت(ع) در نهضت نبوی، به نقش معصومین در حفظ و استمرار نهضت نبوی و ارزش‌های آن پرداخته است. در فصل هفتم، با عنوان انواع تعأمل با پیامبر به نحوه تعأمل دو گروه مسلمانان و کفار و دشمنان با پیامبر، با ذکر شواهد و مصداق‌های تاریخی پرداخته شده است. فصل هشتم و پایانی کتاب به وظایف مسلمانان نسبت به پیامبر اکرم(ص) پرداخته است که برخی وظایف عبارتند از: تبیین پیام پیامبر برای جهانیان، تلاش برای تحقق بعثت، تبیین و تبلیغ چهره پیامبر، برخورد قاطع با اهانت کنندگان، سپاسگزاری از مجاهدات بی‌نظیر پیامبر و تلاش برای کسب معرفت مقام آن حضرت.

سال‌ها انسان منتظر چنین روزی بود

بعثت به برگزیده شدن حضرت محمد(ص) به پیامبری و آغاز رسالت آن حضرت اشاره دارد که بنابر مشهور، در ۲۷ رجب سال چهلم عام‌الفیل روی داده است. از اینرو در فرهنگ شیعی ۲۷ رجب، به عنوان «عید مبعث» و یکی از اعیاد بزرگ و گرامی داشته می‌شود. بعثت پیامبر(ص) سر آغاز دین اسلام و مقدمه برچیده شدن بت پرستی از حجاز بود.

واژه‌شناسی

بعثت به معنای برگزیدن فردی به پیامبری از سوی خدا و آغاز دوره نبوتش است. هرچند بعثت درباره برگزیدن همه پیامبران به نبوت کاربرد دارد، اما از آن برگزیدن حضرت محمد(ص) به پیامبری متبادر می‌شود. از اینرو در فرهنگ اسلامی، روز مبعث به روزی گفته می‌شود که حضرت محمد(ص) به رسالت مبعوث شده است. بعثت در لغت به معنای برانگیختن است همچنین به معنای ارسال و روانه کردن نیز آمده است. بعثت در قرآن کریم، به معنای برانگیختن و فرستادن پیامبران برای هدایت مردم و نیز حشر مردگان به کار رفته است.

زمان و مکان بعثت پیامبر(ص)

غار حرا، محل بعثت پیامبر(ص) در کوه نور در مکه واقع شده است. بعثت پیامبر اکرم(ص) بنابر مشهور در ۴۰ سالگی و بنا به قولی، در ۴۳ سالگی آن بزرگوار رخ داده است. طبق گفته مورخان، و باور شیعیان بعثت در ۲۷ رجب سال چهلم عام‌الفیل و بیستمین سال حکومت خسرو پرویز بر ایران روی داده است. هر چند برخی ۱۷ یا ۱۸ رمضان، یا یکی از روزهای ربیع‌الاول را روز بعثت دانسته‌اند.

ماجرای آغاز رسالت پیامبر(ص) در کلام امام هادی(ع)

پیامبر وقتی که در غار حرا به تفکر و عبادت مشغول بود، با نزول نخستین آیات سوره عَلَق، بعثتش آغاز شد و با نخستین آیات سوره مدثر ادامه یافت. امام هادی(ع) این واقعه را چنین شرح می‌دهند: روزی از روزها خداوند او را آماده انجام رسالت یافت و جبرئیل(ع) را که در هاله‌ای از نور بود بر پیامبر(ص) ظاهر کرد. جبرئیل دست پیامبر را گرفت و تکان داد و عرض کرد: «بخوان» آن حضرت فرمود: «چه بخوانم؟». عرض کرد: «نام خدایت را که تو را خلق کرد» و تا آخر آیهٔ پنجم سورهٔ علق را خواند. پیامبر خدا(ص) نیز شروع به خواندن کرد. جبرئیل عرض کرد: «شما از این لحظه پیامبر خدا هستید». خداوند در آغاز رسالت، درهای آسمان‌ها را گشود و فرشتگان الهی گروه، گروه به محضر رسول خدا(ص) شرفیاب می‌شدند و به آن حضرت تبریک می‌گفتند. رسول اکرم(ص) که برای نخستین بار بود چنین جلال و شکوهی را از خلقت خداوند می‌دید، از دیدن این صحنه‌ها دچار شگفتی و بهت شد. جبرئیل پس از انجام مأموریت خود به آسمان برگشت. پیامبر(ص) وقتی از کوه فرود می‌آمد در بین راه با خود می‌اندیشید که آیا من در این مأموریت و رسالت عظیم موفّق خواهم بود! مبادا قریش به من نسبت جنون بدهند و با پیشرفت کار رسالت مخالفت کنند! خداوند به او وحی کرد: «از تکذیب قریش نگران نباش؛ به‌زودی دین تو گسترش پیدا می‌کند. پرچم حمد در دست تو است و بعد از تو به دست علی(ع) سپرده خواهد شد. علی(ع) را بعد از تو سرآمد همه انبیا و اولیا قرار دادیم». پیامبر خدا(ص) با خود اندیشید که آیا مقصود علی بن ابی طالب است؟ ندا آمد: «آری! هموست که روز قیامت زیر پرچم او همهٔ انبیا و اولیا و صدّیقین و شهدا وارد بهشت پر نعمت خواهند شد». بعد برای قوّت قلب پیامبر(ص) خداوند بشارت‌هایی به آن حضرت داد و فرمود: «به‌زودی چشمان تو به دیدار سرور بانوان دو عالم، دخترت فاطمه روشن خواهد شد و از ازدواج او با علی(ع) حسن و حسین(ع)، سرور جوانان اهل بهشت پدید خواهند آمد». بعد از آنکه پیامبر(ص) از کوه فرود آمد، از صخره‌ها و تخته‌سنگ‌ها ندا می‌آمد: «السّلامُ عَلَیک یا رَسُولَ اللهِ السّلامُ عَلَیک یا حَبیبَ اللهِ السّلامُ عَلَیک یا نَبی اللهِ». (بحارالانوار، ج۱۷، ص۳۰۹)

دعوت نزدیکان به اسلام

یکی از اصحاب امام کاظم(ع) از آن حضرت دربارهٔ بعد از بعثت پیامبر(ص) سؤال کرد. آن حضرت فرمود: من همین سؤال را از پدرم امام صادق(ع) پرسیدم و ایشان فرمود: وقتی رسول خدا(ص) به خانه برگشت، در سیمای او نوری درخشنده بود. وقتی با این حالت وارد خانه شد، خدیجه(س) به استقبال آمد و پرسید: این چه تغییری است که در سیمای شما می‌بینم؟ رسول خدا(ص) فرمود: ای خدیجه، بدان که من به رسالت مبعوث شدم. خدیجه(س) عرض کرد: من سال‌ها منتظر چنین روزی بودم. سپس به آن حضرت ایمان آورد. در این روایت آمده است که پیامبر اسلام(ص) به امیرالمؤمنین(ع) و خدیجه کبری(س) فرمود: «بدانید که اسلام شرط‌هایی دارد». سپس یک‌به‌یک شروط اسلام را بیان کرد و آن دو بزرگوار پذیرفتند. سپس فرمود: «ایمان شما پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه امام بعد از من و جانشینم را در حیات من بشناسید و به او اعتقاد داشته باشید». آنان اعلام اطاعت کردند. پیغمبر(ص) به خدیجه(س) فرمود: «ای خدیجه، با علی به‌عنوان امام بعد از من و وصی و جانشین من بیعت کن». حضرت خدیجه(س) اولین کسی است که با امیرالمؤمنین بیعت می‌کند. (بحارالانوار، ج۱۸، ص۲۳۲)

دعوت آشکار و آغاز مسیر سخت رسالت

سه سال بعد از این واقعه، با نزول آیه «وَأَنذِرْ عَشِیرَتَک الاَقْرَبِینَ؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده.» (شعراء؛ ۲۱۴) آشنایانش را از نبوت خود آگاه کرد و در همان سال با نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ؛ پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب» (حجر؛ ۹۴) نبوتش را علنی کرد.

پیامبر(ص) نخستین بار در بازار عُکاظ، جایی که مردم برای تجارت در آن جمع بودند و عده‌ای نیز در بلندی‌های آن به بیان اشعار تازه و داستان‌های گوناگون مشغول بودند، دعوت خویش را آشکار کرد. ابولهب و عده‌ای دیگر، پیامبر(ص) را آزار رساندند؛ اما ابوطالب در حمایت از پیامبر(ص) آنان را تنبیه کرد. تقابل مشرکان با پیامبر ادامه داشت تا آنجا که اقدام به جنگ علیه آن حضرت و پیروان ایشان کردند.

پیامبر رحمت (ص) در این مسیر سخت هدایت، سختی‌ها و رنج‌های بسیار کشید آنگونه که خود حضرت رسول اکرم(ص) در روایتی می‌فرماید: «مَا أُوذِی نَبِی مِثْلَ مَا أُوذِیتُ؛ هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد!» (بحارالانوار مجلسی، ج ۳۹، ص۵۶)